

ادامه از صفحه اول

اگر به دوره بعد برسیم...

همین یکی، دو ماه پیش بود که دوستم محمدبن سلمان، نایب‌السلطنه عربستان، نخست‌وزیر لبنان را در ریاض دستگیر و وادار به اعتراف تلویزیونی کرد، پس چرا به اعتراف‌اش توجه نمی‌شود. مگر درباره تروریست‌بودن عربستان از همین حرف‌ها ن‌زدند؛ البته خودم هم گفته بودم بیشتر قربانیان آمریکایی تروریسم که در سال‌های اخیر به وسیله تروریست‌های عربستانی کشته شده‌اند، اما وقتی قول دادند ۴۰۰میلیارد دلار اسلحه از ما بخرند، دیدم چه بچه‌های خوبی هستند و با آنها رقص شمشیر کردم و کره بلورین جادو چرخاندم و گفتم اصلا تقصیر ایرانی‌ها بوده است. آنها هم بی‌درنگ برایم هورا کشیدند. دیگر چه می‌خواهند. در همین سسویه که داعش برای تفریح، سر روزنامه‌نگاران آمریکایی را در کنار دیگران می‌برد، همه کمک کردند و شهر رقه را خرد و خمیر کردیم، بعد گفتم حالا نوبت بشار اسد است، ترک‌ها گفتند، نه! حالا نوبت کرده‌است. هرچه می‌گویم کرده‌ا را ما تجهیز کردیم و به جان داعش انداختیم، شما کجا بودید؟ حالی‌شان نیست و حمله کرده‌اند! روس‌ها هم زیر گوشمان در سسویه جا خوش کرده‌اند و با سوخواهیشان ویراز می‌دهند. گفتیم اصلا پایتخت اسرائیل در قدس است و می‌خواهیم سفارتمان را به آنجا ببریم، ببینید چه قشقرقی به راه انداخته‌اند! دور هم در استانبول جمع شدند، رئیس‌جمهور ایران هم رفت، ما را تهدید به اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت می‌کنند. از خروج اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و تشکیل دولت فلسطین با پایتختی قدس حرف می‌زنند، پس تکلیف ما چه می‌شود. هواپیمای اف۱۶ اسرائیل ما را می‌زنند. مگر آمریکا قوی‌ترین کشور جهان نیست؟ چینی‌ها چه می‌گویند، شده‌اند رقیب اقتصادی و موشکی ما! اگر ما نبودیم، هیتلر اروپا در درب‌وداغان کرده بود، حالا آنها هم برای ما شاخ و شانه می‌کشند و ادعای استقلال می‌کنند. برجام را به رخ ما می‌کشند و می‌گویند معتبر است! روس‌ها هم با چند موشک و بمب اتمی ادعا دارند و از برجام دفاع می‌کنند. برزیل مشغول گرفتاری‌های داخلی است، وگرنه لاید فردا آنها هم ادعا خواهند داشت. هندی‌ها آب‌بازیکه هستند، دارند آهسته آهسته پا روی دم ما می‌گذارند و وارد بازار نفت و گاز ایران می‌شوند. می‌گویند لازم داریم، خب ما که بیشتر لازم داریم! با این همه خدمات و فرامین صادره با امضاهای عریض و طویل من را در کشور خودم هم تحویل نمی‌گیرند. هر چه خط‌ونشان می‌کشم هم فایده ندارد. چیزی نمانده بود اف‌بی‌آی من را سین‌جیم کند. با چهار تا روس سر انتخابات خودمان قراررومدار گذاشیم؛ آنها هم قدری وارد شبکه‌های اجتماعی ما شدند و گشتی زدند، چند ایمیل را هک کردند، ببین چه بساطی راه انداخته‌اند. اینها کم بود، به من که پیرو متمم دوم قانون اساسی آمریکا درباره آزادی حمل سلاح شهروندان هستم، صفا به دلیل تروریسم زنجیره‌ای قتل مدام داشم! امروزان را آموزشگران در مدارس آمریکا می‌گویند بانی تروریسم. شعار ضد آزادی اسلحه سر داده‌اند و آن‌وقت می‌گویند طرفدار آزادی هستند. دیوار می‌کشیم مهاجر مکزکی نیاید، می‌شوند طرفدار کسانی که از چکی در آمریکا بار آمده‌اند. برای ایجاد کار باید عده‌ا را از همین رنگی‌ها اخراج کنیم که جا باز بنشود یا نه؟ می‌خواهیم در اوباماگر که هزینه دوا و درمان فقرا می‌شود صرفه‌جویی کنیم، آن وقت طرفداران حزب خودمان هم مقاومت می‌کنند. هر چه می‌گویم خب، گیرم چهار یا چهار هزار سیاه هم بمیرند، مگر چه می‌شود، حالی‌شان نیست. هزینه‌های سازمان ملل را زده‌ایم، می‌روند در همان سازمان برایمان شاخ می‌شوند. برای خودمان پولی درمی‌آوردیم و برچ و باروهای ترامپی خودمان را داشتیم، حالا اصلا وقت نمی‌کنیم بازی کلفمان را بکنیم. مدام باید حرف بزنم، شست و انگشت دست چپ را حلقه کنم و با انگشت نشانه دست دیگر آن طرف را نشان بدهم و با موی پریشان تکرار کنم: هرکه حرفم را گوش نکند، خیلی بد است و هرکه گوش کند، خیلی خوب است. اما کو گوش شنوا. این کارکنان کاخ سفید هم هیچ خوب نیستند. هر کدام‌شان را سه دفعه عوض کرده‌ام، اما آدم نمی‌شوند. نیکی هیلی دختر خوب و حرف‌گوش‌گنی است. اما حیث که هندی است، محبوبیت‌مان که هنگام آواز گاز فقط سه میلیون رأی کم داشت، اکنون به دروغ می‌گویند در سقوط، رکورد شکسته است. البته سه سال دیگر مانده و خودش غنیمت است. راستش چه کسی باور می‌کرد ترامپ روزی رئیس‌جمهور قوی‌ترین کشور دنیا بشود؟ اگر زنده بمانم و کارم به استیضاح یا عدم کفایت به دلایل روانی نکشد، نمی‌دانم حزب خودمان من را نامزد خواهد کرد یا نه؟ اگر هم نامزد شوم، انتخاب خواهم شد یا نه؟ مگر دفعه قبل کسی باور می‌کرد، چرا دفعه دیگر دوباره انتخاب نشوم. مانده‌ام که آیا رئیس و مدیرعامل کل آمریکا بشوم، بهتر است یا به بازی گلف کنار برج خودم بپردازم و شب به قایق تفریحی بروم؟ اگر قرار باشد دوباره در انتخابات شرکت کنم، شاید بهتر باشد چند کتاب بخرم و بدهم کوشتر برایم بلند بلند بخواند؛ ببینم چندقطبی‌شدن جهان یعنی چه؟ اروپا، روسیه، چین، هند و برزیل چه می‌گویند؟ چون به نظر می‌رسد سیاست امر پیچیده‌ای است و نیاز به قدری مطالعه دارد.

۴ برخی معتقدند افزایش قیمت ارز در ماه‌های اخیر حاصل پالس‌هایی بود که لایحه بودجه سال ۹۷ به بازار داد. این کارشناسان معتقد هستند نشانه‌هایی مبنی بر افزایش تورم و البته افزایش نرخ ارز رسمی در لایحه بودجه وجود داشت که سرمایه‌ها را به سمت بازار ارز سوق داد. با این ادعا موافق هستید؟

برای اینکه به حرف تکیه نکنیم و سراغ واقعیت‌ها برویم، باید ببینیم که ارز در سال جاری از چه زمانی افزایش پیدا کرد؛ براساس مطالعاتی که انجام شده است، افزایش نرخ ارز از شهریور آغاز شد. بسیاری معتقد هستند چون نرخ سود سپرده بانکی کاهش پیدا کرد، جاذبه برای کسبیل سرمایه‌ها به سمت یک بازار غریب‌پولی به وجود آمد. پیش از آن مؤسسات اعتباری غیرمعتبر نرخ سود بالاتر را پیشنهاد می‌کردند، اما مشخص شده بود سرمایه‌گذاری در این مؤسسات مطمئن نیست، بنابراین بازار ارز هدف اول سرمایه‌گذاران شد. دولت برای کنترل این تقاضا تلاش کرد بازار پولی را با ارائه نرخ‌های ترجیحی مثل گواهی سپرده ۲۰ درصد جذاب‌تر کند تا وضعیت را متعادل و چسبندگی را در بازار بانکی و پول افزایش دهد. در نیمه اول امسال فاصله بین نرخ ارز سه‌هزارو ۳۰۰ تومانی که در لایحه بودجه ۹۶ دیده شده بود با نرخ ارز بازار آزاد چیزی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان بود که همیشه هم شاهدش بوده‌ایم. بالطبع بودجه پالس خاصی برای افزایش نرخ ارز نشان نداد.

۴ برخی معتقدند ۱۷هزارمیلیارد تومانی که به سپرده‌گذاران مؤسسات اعتباری منحل شده بازگردانده شد، راهی بازار ارز شده و در افزایش تقاضا مؤثر بوده است. تحلیلی دراین‌باره دارید؟ مطالعه‌ای دراین‌باره نداشته‌ایم که بتوانیم ادعا را رد یا تأیید کنیم. دقت کنید که این رقم بین سپرده‌گذاران بسیار زیادی توزیع شده و البته ممکن است بخش کوچکی از آن راهی بازار ارز شده باشد. بعید می‌دانم ارتباطی وجود داشته باشد و قابل تأیید نیست.

۴ نکته دیگری که درباره دلایل افزایش نرخ ارز مطرح است، محدودیت‌های بانکی است که اخیرا نیز در سه کشور چین، ترکیه و امارات شاهدش بوده‌ایم. اینن محدودیت‌ها چه تأثیری بر بازار ارز داشته است؟ سؤال من این است که کی اینن محدودیت‌ها وجود نداشت؟ محدودیت‌ها که در سال‌های گذشته به مراتب شدیدتر بود. اینکه مبادلات بانکی ما روان نیست یا اخیرا در ترکیه و به‌خصوص امارات شاهد مشکلاتی بوده‌ایم، مانند همین عوارض و مالیاتی که اخیرا امارات وضع کرد، قابل کتمان نیست اما باید بگویم این معادله‌ای یک‌مجهولی نیست، بلکه یک ماتریس چندمتغیره است و عوامل مختلفی با ضرایب متفاوت در آن نقش داشته‌اند.

۴ اگر این یک ماتریس چندمتغیره است، چرا شاهد عملیات پلیسی در بازار ارز بودیم؟

یکی از متغیرها هم همین بود. کم‌اینکه فقط به همان ختم نشد و بانک مرکزی سه کار هم‌زمان دیگر انجام داد. گواهی سپرده ریالی، گواهی سپرده ارزی و پیش‌فروش سکه سه پیشنهادی بود که بانک مرکزی ارائه کرده است تا کسانی که می‌خواهند سرمایه خود را از بازار ارز خارج کنند، مجبور به چشم‌پوشی از منافع زودگذر این بازار نباشند و بتوانند از طریق این سه پیشنهاد به سود مناسبی برسند. بنابراین هم می‌توانند اوراق گواهی سپرده با نرخ سود ۲۰ درصد خریداری کنند و هم اگر مایل هستند سرمایه‌شان را به قیمت ارز گره بزنند، می‌توانند روی گواهی سپرده ریالی ارز سرمایه‌گذاری کنند که علاوه بر دریافت سود چهار درصد، در زمان سررسید، سپرده خود را به قیمت ارز همان زمان پس بگیرند. اگر هم این دو پیشنهاد باب میل کسی نبود، می‌تواند سرنوبت سرمایه‌اش را با قیمت طلا گره بزند و به همین منظور پیش‌فروش سکه با قیمت‌های ارزان‌تر را آغاز کرده‌ایم. می‌خواهم بگویم دولت کسی را از بازار ارز به اجبار دور نکرده، بلکه سه پیشنهاد جذاب فراهم کرده تا هم از التهاب بازار ارز جلوگیری شود و هم فعالان این بازار ضرر نکنند.

۴ گفته می‌شود دولت نمی‌خواهد صادرات دلایل نوسانات بازار ارز را بازگو کند. چرا شفاف درباره دلایل سیاسی و اجتماعی مؤثر در این التهاب صحبت نمی‌کنید؟

تأثیر دلایل سیاسی، اجتماعی و... بر این مسئله قابل کتمان نیست. ما همه دلایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مؤثر بر این موضوع را بررسی کرده‌ایم که مفصل است.

۴ خب چرا درباره‌اش توضیح نمی‌دهید؟ آقا رای روحانی، شما و دولت باید سیر بلا شوید و مسئولیت چیزهایی را بپذیرید که نقشی در آن نداشته‌اید. واقعیت اینن است که مسئولیت اقتصادی مشکلات با ماست و ما هم نباید و نمی‌خواهیم گریزی از پذیرش مسئولیت خودمان داشته باشیم. وقتی هم این مسئولیت را می‌پذیرفتیم، می‌دانستیم که با چه محدودیت‌هایی مواجه هستیم. از این جهت تصور می‌کنیم بهتر است به جای اینکه بخواهیم به نقش عوامل مؤثر دیگر در این مشکلات اشاره کنیم که بعدا متهم به فرافکنی بشویم، ترجیح می‌دهیم امور را اصلاح کنیم.

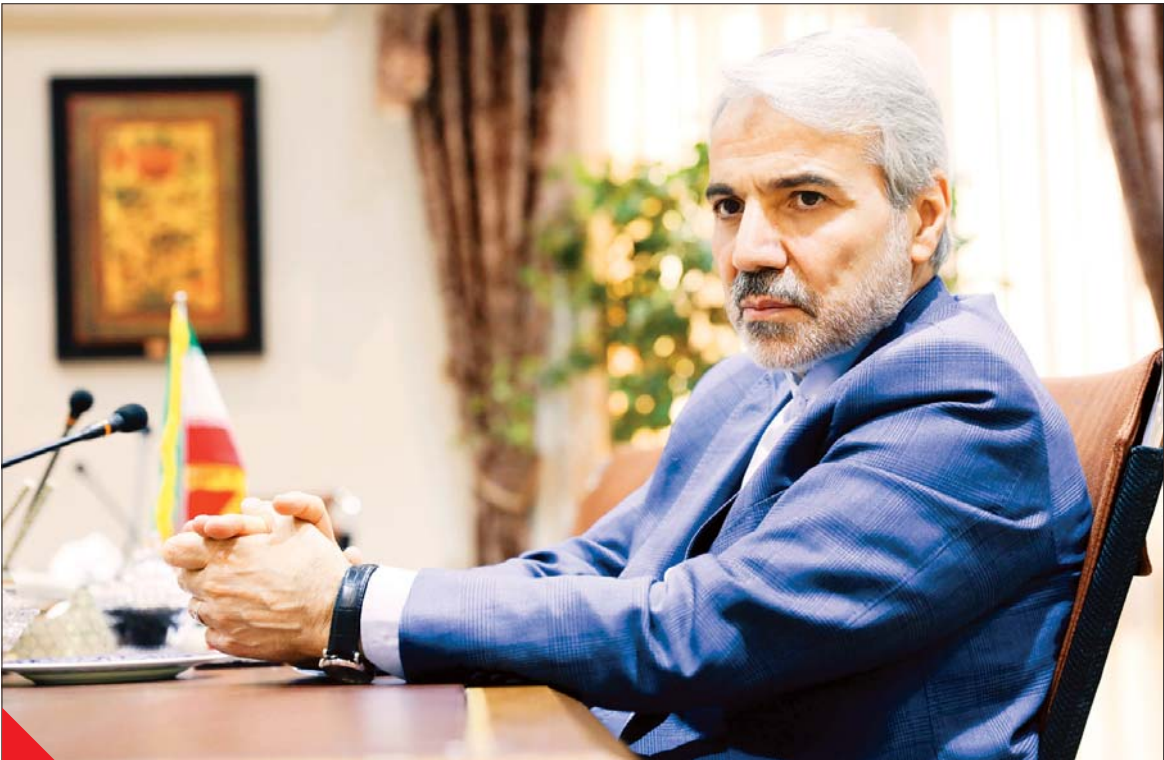
۴ زورتان می‌رسد؟

قطعا در خیلی از موارد نه. محدودیت‌هایی داریم. **۴ با این محدودیت‌ها چه خواهید کرد؟** تلاش می‌کنیم از فرصت‌ها استفاده کنیم (می‌خندد). از این حرف‌ها بلدیم به شما بزنیم. **۴ مسئله‌ای که این سکوت پیش می‌آورد کاهش اعتماد عمومی به دولت است.** اخیرا در فضای مجازی فیلم کوتاهی از قول رئیس‌جمهور درباره

محمدباقر نوبخت در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق»:

برخی گردانندگان مؤسسات غیرمجاز آزادند

از رد کلیات لایحه بودجه در صحن علنی مجلس تعجب کردم



عکس: رونوشت رسمی، شرق

محمد مساعد

اگرچه از روزی که محمدباقر نوبخت در مهدیه رشت دست حسن روحانی را بالا برد و مردم را به انتخاب تدبیر و امید دعوت کرد تا بهمن ۹۶ که با او به گفت‌وگو نشست تنها کمی بیش از چهار سال گذشته است. اما نوبخت بی‌گمان ۴۰ سال پیوتر به نظر می‌رسد. در آغاز گفت‌وگو به‌دلیل فرصت کمی که در اختیار ما گذاشته شده بود از او خواستیم از عادت معلمی‌اش فاصله بگیرد و نه آن چنان شمرده‌شمرده، بلکه روشن و سریع به سؤال‌ها پاسخ بدهد. پاسخ داد که همچنان معلم است، اما سریع‌تر به سؤال‌ها پاسخ خواهد داد و چنین نیز کرد. هرچند گرفتن پاسخ صریح از مرد محتاط دولت روحانی کار سختی است، اما به‌اجبار برخی سؤال‌ها را چند بار تکرار کردم تا به پاسخ صریح‌تری برسیم. تلاشی که گاه موفق و گاه ناموفق بود. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور یکی از آن‌هاست که بیش از دیگران در معرض حملات رسانه‌ای موافقان و مخالفان دولت قرار می‌گیرد. برخی مکتب اقتصادی مورد علاقه نوبخت و همفکرانش را مقصر مشکلات امروز اقتصاد ایران می‌دانند و برخی دیگر برکناری شخص او و چند نفر دیگر را راه‌حل مشکلات اقتصاد کشور می‌دانند. اما به نظر می‌رسد نوبخت چندان نگران این فشارها نیست و در پاسخ‌هایش تأکید می‌کند که با آگاهی از محدودیت‌ها قبول مسؤلیت کرده و در کنار دولت تلاش می‌کند از فرصت‌های موجود استفاده کند. او رقبای اقتصادی را عامل اصلی فشارهای رسانه‌ای به دولت می‌داند و می‌گوید انتخابات اردیبهشت برای عده‌ای تمام نشده است و با صراحت از مواضع دولت دفاع می‌کند. اما وقتی اصرار می‌کنم درباره پشت پرده مؤسسات اعتباری منحل‌شده بیشتر توضیح بدهد، محتاطانه‌تر پاسخ می‌دهد و وقتی درباره چند و چون برخورد با متخلفان آن پرونده می‌پرسم ناخودآگاه ناراضیانی‌اش از قرارگرفتن در موقعیت پاسخ‌گویی به این سؤال را با دست‌کشیدن بیایی به صورتش نشان می‌دهد. می‌گوید از رد کلیات بودجه در صحن علنی مجلس تعجب کرده، اما اضافه می‌کند فرزند مجلس است و نظر‌شان را می‌پذیرد. آنچه در ادامه می‌آید حاصل گفت‌وگوی «شرق» با محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور است.

بخشی از اختیارات با قوه مجریه و دولت است که ما تلاش می‌کنیم قانون را رعایت کنیم. دقت کنید که درآمد نفتی کشور در سال‌های اخیر متأثر از قیمت جهانی نفت کاهش داشته است؛ اما ما تلاش کردیم واریزی به صندوق توسعه افزایش پیدا کند. درباره آنچه در حدود اختیارات دولت است، تلاش کرده‌ایم منابع صندوق را با رأی مجلس یا مجوز مقام معظم رهبری در مسیر توسعه استفاده کنیم. مانند طرح‌هایی که در ۵۵۰ هزار هکتار از اراضی خوزستان و ایلام داریم یا ۵۰ هزار هکتار از اراضی که در دشت سیستان داریم یا اقداماتی که می‌خواهیم در سال ۱۳۹۷ در زمینه شراکت عمومی-خصوصی انجام دهیم تا طرح‌های ناتمام عمرانی را تمام کنیم. دولت تلاش می‌کند که هیچ‌وقت در امور غیرتوسعه از این صندوق استفاده نکند.

۴ شما تصمیم داشتید با افزایش قیمت بنزین منابع لازم برای برخی طرح‌های اشتغال‌زایی خود را فراهم کنید. پس از اعتراضات دی‌ماه مجلس تصمیم گرفت با این پیشنهاد موافقت نکند و در نتیجه منابعی از طریق افزایش قیمت سسخت برای دولت وجود نخواهد داشت. بااین‌حال شما معتقدید که طرح‌های اشتغال‌زایی مد نظرتان ادامه خواهد داشت. منابع آن از چه طریقی تأمین خواهد شد؟

من همواره درباره طرح‌های ایجاد یک میلیون شغل می‌گفتم که این برای ما یک انتخاب نیست؛ بلکه یک الزام است. نمی‌توانیم تحت هیچ شرایطی بگویم که نمی‌خواهیم یک جهش در وضعیت اقتصادی و یک گسترش در وضعیت اشتغال‌مان ایجاد کنیم. در همین راستا مجلس حاضر شد سه هزار میلیارد تومان از آن ۱۷ هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان مدنظر ما را تأمین کند و اجازه داد که برای تأمین بقیه آن از طرح‌های عمرانی خود استفاده کنیم. لایحه بودجه ۹۷ ظرفیت آن را دارد که ما را به چنین هدفی برساند.

۴ برای اولین‌بار پس از انقلاب شاهد رد کلیات لایحه بودجه در صحن علنی مجلس بودیم. انتظارش را داشتید؟

نه.

۴ وقتی این اتفاق افتاد. چه احساسی داشتید؟

(مکث می‌کند) تعجب کردم.

۴ به نظر‌تان بازیگران اصلی مجلس هم تعجب کردند؟ واقعیتش را بگویم، نمی‌دانم. من همان روز هم در مجلس گفتم که اتفاقی نیفتاده و صفا سه روز بعد از وقت ما گرفته خواهد شد. همان‌طور که دیدید نهایتا تم نیم‌ساعت بیشتر جلسه تشکیل نشد و دو، سه اصلاح انجام شد و آن در راستای منطبق‌کردن لایحه با خواسته‌های دولت بود و در صحن به تصویب رسید؛ اما بالاخره من فرزند مجلس هستم و طبع مجلسی را می‌دانم و برای نظر نمایندگان احترام قائل هستم.

۴ به بحث مؤسسات اعتباری منحله برگردیم. درباره حواشی این مؤسسات بارها سخن گفته شده، اما معلوا درباره پشت پرده آنها سکوت می‌شود. چه کسانی پشت این مؤسسات بودند؟

اگر بخواهیم نفی نمی‌کنیم که عده‌ای بدون داشتن پشتوانه‌های مالی و اجرایی توانسته‌اند بیاند و مجوزهایی را بگیرند و اینن میزان از منابع مردم را جذب کنند، حرف نادرستی زده‌ایم؛ به‌ویژه مقاومت‌هایی که پس از آن صورت گرفت و پشتیبانی‌هایی که داشتند. ما دو راه بیشتر نداشتیم؛ یا باید چشم بر هم می‌گذاشتیم و اجازه می‌دادیم این هزاران میلیارد تومان به ددها برابر افزایش پیدا کند و دولت بعد با مشکل به‌مراتب بزرگ‌تری روبه‌رو شود، یا اینکه می‌آمدیم و اصلاحات را انجام می‌دادیم. ما ترجیح دادیم این تنش‌ها و مشکلات را به جان بخریم و جلوی اینها را بگیریم.

۴ اینها که درباره‌شان حرف می‌زنیم چه کسانی بودند؟

شما این مؤسساتی را که نام آنها مطرح است، دنبال کنید و ببینید چه کسانی هستند و با کجاها مرتبط‌اند.

۴ به کجاها مرتبط هستند؟

هرکدام‌شان بالاخره به یک نهاد و قوه‌ای وصل بودند. منظور من تشکیلات دولتی یا کومنتی نیست.

بالاخره اشخاصی بودند که از این افراد پشتیبانی می‌کردند و به پشتوانه آنها توانستند از این فرصت‌ها استفاده بکنند و پول مردم را جمع کنند.

۴ برخورد مناسبی با این افراد صورت گرفت؟ فکر می‌کنم متناسب با اتفاقی که افتاد خیر؛ بعضی از آنها هم امروز آزاد هستند.

۴ این یک مسئله جدی است. به‌تازگی و بعد از آن که چندین حساب فعال در بازار ارز که بالغ ۲۰ بر هزارمیلیارد تومان گردش مالی داشتند، مسدود شد، این سؤال مطرح شد آیا مسدودکردن حساب‌ها کافی است؟ آیا نباید پیگیری‌های جدی‌تری صورت بگیرد و پول‌های کثیفی که احيانا از این طریق پول‌شویی می‌شدن، ردگیری شوند و با دانه‌درشت‌های مرتبط برخورد شود؟

ما در همین راستا از ضابطان خود چه در نیروی انتظامی و چه وزارت اطلاعات انتظار داریم نتیجه را به قوه قضائیه منعکس کنند و قوه محترم قضائیه نیز قاطعانه با متخلفان برخورد کند.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

اصل «ورودی زباله، خروجی زباله» در اقتصاد ایران

علی پالار*

● طبق آخرین گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۱۷، ایران جایگاه ۱۳۱ در میان ۱۷۴ کشور را به دست آورده است. شرایط اقتصادی کشور ایران نشان می‌دهد جایگاه ایران درخصوص شفافیت، تناسب زیادی با فساد حال حاضر اقتصاد ایران دارد و می‌توان گفت متأسفانه این رتبه در تناسب با وضعیت فعلی اقتصاد ایران است. جدا از اینکه آیا شیوه برخورد دستگاه‌های مسئول با فساد در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که مانع از گسترش این عارضه شود یا خیر؛ باید قبل از هر چیز در مرحله پیشگیری این سؤال را پرسید؛ واقعا چرا مجال برای پیدایش فساد در اقتصاد پیدا می‌شود؟! درخصوص زمینه‌های پیدایش این عارضه اقتصادی چا دارد اصل مشهور «ورودی زباله، خروجی زباله» که در تمام سیستم‌ها از جمله سیستم اقتصادی یک کشور صادق است، یادآوری شود. در واقع اصل «ورودی زباله، خروجی زباله (به انگلیسی: garbage in garbage out)» به معنای این است که اگر ورودی نامعتبر به سیستم داده شود، خروجی به‌دست‌آمده نیز نامعتبر خواهد بود. درنظرگرفتن اقتصاد ایران به عنوان یک سیستم اقتصادی و متغیرهای ورودی که به این سیستم اقتصادی داده شده‌اند، خروجی این سیستم طبیعتا افرادی جز بابک زنجانی نخواهند بود؛ چه بسا با درنظرگرفتن عواملی که در ادامه ذکر می‌شوند، ظهور بابک زنجانی‌ها، انتظاری کاملا بجا باشد. متغیرهای ورودی مانند تک‌محصولی‌بودن و وابستگی به نفت، در کنار دولتی‌بودن و تحریم‌های اقتصادی غرب، فضای سیستم اقتصاد را به طرز مشمزنکننده‌ای برای فساد مهیا کرده است. وجود هر یک از این عوامل به‌تنهایی، بستری برای پیدایش فساد اقتصادی خواهد بود، چه برسد به اقتصاد ایران که آنچه خوبان همه دارند، را بیگنا دارد.

در این بین مهم‌ترین علت را شاید بتوان تک‌محصولی‌بودن اقتصاد ایران و وابستگی آن به درآمدهای نفتی دانست. در این خصوص مصداق اظهارمن‌الشمس آن را در دولت پاک‌دست نهم و دهم می‌توان دید که قیمت جهانی نفت و درآمدهای نفتی کشور در بالاترین میزان خود بود و متأسفانه بیشترین فساد نیز رقم خورد. همچنین وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی موجب شده است اقتصاد ایران از لحاظ برون‌گرایی برعکس باطن خود، در ظاهر چهره‌ای متفاوت، با درجه وابستگی بالا به بخش خارجی داشته باشد. به طوری که با درنظرگرفتن نسبت جمع دو متغیر صادرات کل کشور (اعم از نفت و غیرنفت) و واردات به تولید ناخالص داخلی، از لحاظ برون‌گرایی، اقتصاد ایران بازتر از اقتصاد آمریکا خواهد بود که نشان می‌دهد وابستگی اقتصاد ایران به بازگانی خارجی در سطح بالایی قرار دارد. دولتی‌بودن اقتصاد ایران، عامل مهم دیگری است که به دلیل رانت و ساخت و‌ساخت‌ها قدرت در دولت امکان مداخله خودسرانه در فعالیت‌های اقتصادی را به آنها می‌دهد و زمینه‌های شکل‌گیری امضاهای طلایی را فراهم می‌کند، برخوردار از چنین قدرتی در کنار دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار عامه مردم قرار ندارد، موجب ایجاد فرصت‌هایی برای مقدمات دولتی می‌شود تا بتوانند منافع خود یا دوستان نزدیک خود را به قیمت کاهش منافع عمومی افزایش دهند. از طرف دیگر از منظر سیاسی انگیزه رفتار آلوده به فساد زمانی به وجود می‌آید که مقامات دولتی با وجود داشتن اختیارات زیاد، مسئولیت چندان در قبال اعمال خود نداشته باشند. در نهایت عامل آخر تحریم‌های اقتصادی مانع از نقل و انتقال درآمدهای نفتی برای اقتصادی با درجه اعتیاد بالا به این منبع، به نوعی مانع از تردد در جاده اصلی برای اقتصاد ایران شده است و به بهانه دوزدن تحریم‌ها، مسیرهای ناشفاف برای دستیابی به درآمدهای نفتی توجیه اقتصادی و سیاسی پیدا کرده‌اند.

«کارشناس و تحلیلگر اقتصادی

خبر ویژه

اوراق گواهی سپرده ۲۰درصدی در بانک سامان عرضه می‌شود

● بانک سامان با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اوراق گواهی سپرده مدت‌دار منتشر می‌کند. به گزارش روابط عمومی بانک سامان، این اوراق یک‌ساله با سود ۲۰ درصد سالانه و معاف از مالیات است و سود آن به‌صورت ماهانه پرداخت می‌شود. نرخ بازخرید اوراق در شعب بانک ۱۴ درصد سالانه خواهد بود. این گزارش حاکی است همه علاقه‌مندان به استفاده از این فرصت خوب سرمایه‌گذاری می‌توانند برای خرید اوراق گواهی سپرده، از روز شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ به شعب بانک سامان در سراسر کشور مراجعه کنند.